

شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم. یک نگاه کلان و بلندمدت است. سند چشم‌انداز مهم است. نگاه کنید، ببینید الان چهارسال از سند چشم‌انداز گذشته، یعنی ما شانزده‌سال به پایان این چشم‌انداز داریم. چقدر پیش‌رفته‌ایم؟ یک ادعا این است که از چهار سال بیشتر پیش‌رفته‌ایم؛ یک ادعا این است که نه، کمتر پیش‌رفته‌ایم؛ نصف این چهار سال پیش‌رفته‌ایم. اینها باید درست سنجیده بشود؛ درست باید ملاحظه بشود. در این سند چشم‌انداز، آینده‌ای در نظر گرفته شده که برای ملت ایران؛ این آینده لازم و شایسته است. اگر به آن آینده نرسیم، عقب می‌مانیم. آن وقت باید هم بدانیم که همین‌طور که ما داریم به سمت آن هدف حرکت می‌کنیم، اطراف ما هم همه ثابت نیستند؛ آنها هم دارند حرکت می‌کنند. باید سرعت را تنظیم کنیم، زمان‌بندی‌های برنامه‌ها را تنظیم کنیم؛ جوری این سرعت را تنظیم کنیم که بتوانیم واقعاً به هدف چشم‌انداز برسیم. یعنی این دولت در سهم خود کار درست خودش را انجام داده‌باشد.» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری)

جامع‌نگری یکی از ویژگی‌های اساسی سند چشم‌انداز به‌شمار می‌رود که مؤلفه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد. به دلیل همین جامع‌نگری، مؤلفه‌های سیاسی و توسعه‌سیاسی جایگاه خاصی در این سند دارد. جهت‌گیری‌های برنامه‌ای و کاری دولت را می‌توان با شاخص سند چشم‌انداز سنجید. هرچند توسعه سیاسی سازه پیچیده‌ای است و برای تحقق آن نمی‌توان نسخه واحد و یکسانی را برای همه جوامع تجویز کرد اما با توجه به مفهوم کلی آن، بررسی جایگاه و اثربخشی آن در برنامه‌های پنج‌ساله مطابق با سند چشم‌انداز و برنامه توسعه امکان‌پذیر است. این بررسی و تحلیل به دنبال پاسخ به این پرسش است که اثربخشی توسعه‌سیاسی در برنامه‌های پنج‌ساله - با وجود در نظر گرفته شدن در اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله این است: توسعه‌سیاسی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ لحاظ شده است اما در برنامه‌های پنج‌ساله دچار فراز و نشیب شده و از اثربخشی آن کاسته شده است.